



دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، بهار و تابستان ۱۳۹۸، شماره ۱۴ (پیاپی ۳۲)، صفحات: ۵۵-۸۰

نقش سید ابوالرضا راوندی در گسترش میراث حدیثی شیعه

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۰۷

محسن قاسم‌پور راوندی*
محمد سلامی راوندی**

چکیده

از شخصیت‌های کم‌نظیر قرن ششم که در گسترش میراث حدیثی شیعه بسیار مؤثر بوده، بی‌شک سید ابوالرضا راوندی است. خدمات وی به میراث حدیثی شیعه را می‌توان به دو بخش کلی تقسیم کرد: اول روایت میراث حدیثی گذشتگان و انتقال آن به آیندگان تا آنجا که وی به‌عنوان پل ارتباطی برای انتقال این میراث به آیندگان تلقی می‌شود. گاهی او به‌عنوان تقویت‌کننده اسناد انتقال این میراث به آیندگان و در برخی موارد او راوی منحصر به فرد این میراث است که بی‌شک اگر او نبود، اکنون این میراث به دست ما نمی‌رسید.

بخش دوم از خدمات سید ابوالرضا راوندی، شرح و تصحیح میراث حدیثی است؛ نسخه‌هایی از آثار کهن شیعه با اجازه سید ابوالرضا راوندی موجود است که او این آثار را در سفری که در سال ۵۱۱ هجری به بغداد داشته، دریافت کرده است. در رهگذر این اقدام او کاشان را به محل آمدو شد محدثان سایر حوزه‌های حدیثی، برای تصحیح کتب حدیثی مهم شیعه همچون *أمالی* سید مرتضی، شرح *نهج البلاغه*، *خصائص الأئمة* و *تلخیص البیان* سید رضی، *رسالة اهوازیه*، کتاب *من لایحضر الفقیه و أمالی* شیخ صدوق تبدیل کرده است.

کلیدواژه‌ها: کاشان، سید ابوالرضا راوندی، تشیع، قرن ششم، بغداد.

نقش سید ابوالرضا
راوندی در گسترش
میراث حدیثی شیعه

* استاد دانشگاه کاشان، نویسنده مسئول / ghasempour@mail.kashanu.ac.ir

** مدرس دانشگاه کاشان / rahyaftah@gmail.com



- .
- .
- .
- .
- .
- .
- .

۱. مقدمه

سید ضیاءالدین ابوالرضا فضل الله بن علی بن عبیدالله از نوادگان امام حسن (ع)^۱، بی شک یکی از تأثیرگذارترین محدثان در قرن ششم هجری در حوزه حدیثی کاشان بوده است. او در رأس خاندانی قرار دارد که نسب ایشان به محمد سلیق از سادات حسنی می‌رسد (ابن عنبه، ۱۴۱۷ق: ۱۶۶). خاندان مادری اش نیز اهل علم و دانش بوده‌اند و منتجب‌الدین، شیخ حسین بن احمد بن حسین، جد مادری سید ابوالرضا، را با اوصاف «فقیه، صالح و محدث» ستوده است (منتجب‌الدین، ۱۳۶۶: ۵۲، ش ۱۰۱). نخستین نفر از اجداد سید ابوالرضا راوندی که به راوند آمد، جد چهارم وی عبیدالله، فقیه، محدث و شاعر بود (مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۴۲). درباره علی بن عبیدالله الحسنی، پدر سید ابوالرضا، بنا بر اطلاعات شجره‌نامه‌های قدیمی و برخی اجازات او از اساتید سید ابوالرضا بوده و ابوالرضا روایاتی را از او اخذ کرده است (همان: ج ۱، ۲۵۱). علی بن عبیدالله در روز چهارشنبه ۲۸ رجب ۵۳۱ هجری وفات کرده و راوندی در دیوان خود، مرثیه‌ای در وفات او سروده است (حسینی راوندی، ۱۳۳۴: ۶۷-۶۹). مادر سید ابوالرضا فاطمه دختر سید حسین راوندی و نواده دختری حسین بن احمد بن حسین است که منتجب‌الدین، حسین بن احمد مذکور را با اوصاف «فقیه، صالح و محدث» ستوده است (مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۴۱؛ منتجب‌الدین، ۱۳۶۶: ۵۲، ش ۱۰۱).

آیت الله مرعشی نجفی تاریخ تولد سید ابوالرضا را سال ۴۸۳ هجری ذکر می‌کند (مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۷۴). از جمله مشایخ و اساتید سید ابوالرضا راوندی می‌توان به جمال‌الدین ابوالفضل عبدالرحیم بن احمد معروف به ابن‌الاحوه (حسینی راوندی، ۱۳۳۴: ۱۸۹)، ابوعبدالله حسن بن عبیدالله غضائری^۲ (مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۴۷)، محمد بن علی بن حسن مقری شجاعی نیشابوری، علی بن حسین بن محمد رازی^۳ (همان: ۲۴۸)، ابوعبدالله محمد بن احمد نطنزی (همان: ۲۴۹)، ابوالحسن علی بن یحیی راوندی^۴، ابوعلی حسن بن محمد فرزند شیخ طوسی، ابوالمحاسن عبدالواحد بن اسماعیل رویانی^۵، قاضی ابوعلی عبدالجبار بن محمد بن حسین طوسی (حسینی راوندی، ۱۳۳۴: ۴۳)، ابوعلی حسن بن احمد حنّاد رازی قمی (مدنی، ۱۹۸۳م: ۵۰۶)، محمد بن علی بن حسن حلبی (منتجب‌الدین، ۱۳۶۶: ۱۰۱، ش ۳۵۷)، سید مرتضی بن داعی حسنی و برادرش سید مجتبی (مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۵۲-۲۵۳)، ابوصمصام ذوالفقار بن محمد بن معبد حسنی مروزی و حسین بن محمد بن عبدالوهاب بغدادی و... اشاره کرد (همان: ۲۴۷-۲۵۵).

از شاگردان و راویان وی نیز می‌توان به منتجب‌الدین رازی، ابن شهر آشوب مازندرانی، عبدالله بن جعفر دوریستی، راشد بن ابراهیم بحرانی، سید مجتبی جعفری قزوینی و محمد بن حسن علوی کاشانی اشاره کرد (همان، ص ۲۵۵-۲۵۷).

بسیاری از عالمان معاصر سید ابوالرضا، او را به بزرگی و عظمت یاد کرده‌اند؛ برای نمونه منتجب‌الدین که شاگردش نیز بوده او را با لقب «امام» یاد کرده و درباره وی می‌نویسد: علامه روزگارش بود و با نسب عالی، کمال حسب و فضل را دارا بوده و استاد پیشوایان زمانش به شمار می‌آمد (منتجب‌الدین، ۱۳۶۶: ۹۶، ش ۳۳۴). قزوینی رازی او را با وصف امام و کسی که در تمام عالم از نظر علم و زهد بی‌نظیر است، معرفی می‌کند (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۱۹۸). کاتب اصفهانی بعد از مدح و ستایش فراوانی که برای سید ابوالرضا ذکر کرده، او را دارای تصنیفات متعدد در علوم مختلف و واعظی که مورد توجه عموم مردم قرار گرفته، می‌داند و بیان می‌کند در خردسالی که بر اثر گرفتاری به همراه برادر کوچک‌ترش به کاشان رفته بود و در آنجا تحت تکفل یکی از دوستان پدرش بود، مدت یک سال به مدرسه مجدیه رفت و آمد داشته و سید ابوالرضا در آن مدرسه به موعظه مردم مشغول بود و مردم از هر طرف، پای منبر او گرد می‌آمدند (عمادالدین کاتب، ۱۳۷۵ق: ج ۹، ۶۷-۶۸).

سمعی از مشاهیر اهل سنت ذیل عنوان «القاشانی» می‌نویسد: «در کاشان با گروهی از علما و فضلا دیدار کردم که از جمله ایشان سید فاضل، ابوالرضا فضل‌الله بن علی حسینی [عنوان حسنی صحیح است زیرا سید ابوالرضا از نوادگان امام حسن (ع) است] بود. احادیث و قطعاتی از اشعار او را یادداشت کردم. پیش از ملاقات وی به در خانه‌اش رسیدم منتظر ماندم تا از خانه بیرون بیاید، در آن حال دیدم بر سردر خانه‌اش آیه شریفه "إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا" (احزاب: ۳۳) با گچ نوشته شده بود، پس از ورود به خانه، ابوالرضا علوی کاشانی، ابیاتی به خط خویش نوشته و به من داد» (سمعی، ۱۹۶۲م: ج ۱۰، ۲۹۷-۲۹۸).^۶

بر اساس اطلاعات نسخ خطی، تاریخ وفات وی باید در روز عرفه بین سال‌های ۵۷۱ تا ۵۷۴ هجری باشد.^۷ مقبره سید ابوالرضا در زاویه جنوبی قبرستان «پنجه‌شاه» و در ناحیه شمالی مسجد جامع کاشان است ولی متأسفانه مرقد شریف و مضع نورانی این عالم فرزانه و فقیه یگانه و امامزاده عظیم‌الشان در زمان کنونی متروک و مهجور و غریب مانده است.^۸

سید ابوالرضا راوندی خدمات فراوانی به تشیع و محدثان در قرن ششم ارائه داده که در این

مقاله تنها برخی از خدمات حدیثی او بررسی می‌شود.

نقش سید ابوالرضا
راوندی در گسترش
میراث حدیثی شیعه



۲. روایت میراث حدیثی

بخشی از خدمات منحصر به فرد سید ابوالرضا به تشیع، روایت میراث حدیثی گذشتگان و انتقال آن به آیندگان است تا آنجا که وی به عنوان پل ارتباطی برای انتقال این میراث به آیندگان تلقی می‌شود. گاهی او به عنوان تقویت‌کننده اسناد انتقال این میراث به آیندگان و در برخی موارد، راوی منحصر به فرد این میراث است که بی‌شک اگر او نبود، اکنون این میراث به دست ما نمی‌رسید. سید ابوالرضا راوندی برای روایت و انتقال این میراث مسافرت‌های متعددی داشته است. اسامی مکان‌هایی که سید ابوالرضا برای املا و سماع احادیث سفر کرده، بدین شرح است: قم، اصفهان، ری، نیشابور، بیهق، بغداد، مکه، مدینه، کربلا، نجف، خراسان، قومن (دامغان)، قزوین، آبه (آوه)، ساوه، ابهر، حلّه، فیحاء، زنجان، شیراز و... (مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۷۵-۲۷۶).

سید ابوالرضا راوندی در نقل تمامی آثار شیخ طوسی نقش مؤثری داشته است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۱، ص ۱۱). همچنین او در نقل کتاب *رجال نجاشی* با واسطه ابوصمصام ذوالفقار بن معبد حسنی (راوی اصلی کتاب) نقش داشته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰۴، ۹۵). اسامی برخی از این میراث حدیثی در اینجا ذکر می‌شود.

۱-۲. ادعیه السر

این کتاب در بردارنده ۳۳ دعا و حدیث قدسی است که در شب معراج بر رسول خدا (ص) وارد شده و هر کدام برای اهداف خاصی است. در آغاز این کتاب، خواص ممتاز و والای این ادعیه در بخشش گناهان ذکر شده و تأکید شده که این ادعیه، به دست ناهلان نیافتد تا نپندارند که خواندن این دعاها ما را از اطاعت و انجام تکالیف الهی کفایت می‌کند (حسنی راوندی، ۱۳۸۰: دفتر چهارم، ۱۹۵-۱۹۶).

گرچه محتوای عمیق این ادعیه، خود شاهدهی بر صحت و استواری مطالب آن است، این کتاب دارای اسناد متعددی است و علاوه بر این، متن کامل این ادعیه در کتب معتبر دعا نیز وارد شده است.

اسانید ادعیه السر در کتب روایی شیعه بدین شرح است:

سند اول: ابوعلی فرزند شیخ طوسی، از شیخ طوسی از حسین بن عبیدالله غضائری از هارون بن موسی تلعبری از محمد بن همام اسکافی از حسین بن زکریای بصری از صهیب بن عبّاد از پدرش از ابوعبدالله (ع) از پدراش از حضرت علی (ع) این روایت را نقل کرده‌اند (حر عاملی،

۱۳۸۰: ۳۵۷).

سند دوم: سید ابوالرضا راوندی می‌گوید خبر داد مرا ابوصمصام ذوالفقار بن محمد بن معبد حسنی از شیخ طوسی از حسین بن عبیدالله غضائری از هارون بن موسی تلعبیری از محمد بن همام اسکافی از حسین بن زکریای بصری از صهیب بن عبّاد از پدرش از ابوعبدالله(ع) از پدرش از پدرانش از حضرت علی(ع) این روایت را نقل کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۲، ۳۲۴-۳۲۵).

سند سوم: سید ابوالرضا راوندی این حدیث را نقل کرده، می‌گوید: این حدیث را به خط شیخ صالح، محمد بن احمد بن محمد بن حسن بن محمد بن حسین بن مهرویه کرمنندی بیان می‌کنم که او این حدیث را از احمد بن ابراهیم بن محمد بن احمد بن محمد بن یونس یمانی از محمد بن ابراهیم اصبحی از ابوالخضیب بن سلیمان^۹ از امام باقر(ع) از امیرالمؤمنین(ع) نقل کرده است (حر عاملی، ۱۳۸۰: ۳۵۸).

سند چهارم: حسن بن احمد بن ابراهیم بن شاذان از احمد بن یعقوب اصفهانی در جمادی الاول سال ۳۴۹ هجری از احمد بن علی اصفهانی از ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی از احمد بن محمد بن یونس یمانی از محمد بن ابراهیم اصبحی و ابوالحصب سلیمان بن عمرو بن نوح اصبیحی هر دو از امام باقر(ع) از امیرالمؤمنین(ع) این حدیث را نقل کرده‌اند (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق: ۱۹۲-۱۹۴).

سند اول و دوم شباهت زیادی دارند؛ در سند اول فرزند شیخ طوسی از پدرش نقل می‌کند و در سند دوم، سید ابوالرضا راوندی از استاد خود، ذوالفقار بن محمد، از شیخ طوسی روایت می‌کند و ادامه سند از شیخ طوسی به بعد مشترک است. در سند شماره سه و چهار، سند از احمد بن محمد بن یونس یمانی به بعد، مشترک است و در سند شماره سه، سید ابوالرضا راوندی از فردی به نام کرمنندی اهل روستای کرمند^{۱۰} (نزدیکی مشهد اردهال کنونی) روایت می‌کند که نقل سید ابوالرضا از این راوی خود حاکی از وثاقت و مورد اعتماد بودن اوست.

راویان سند دوم کتاب *ادعیة السر* که شبیه سند اول نیز هست، معتبرتر هستند؛ با این همه، سند نسخ خطی موجود در کتابخانه آیت‌الله مرعشی^{۱۱} به سند سوم بسیار شبیه‌تر است. با توجه به راویان مسلماً کاشانی این سند (یعنی سید ابوالرضا و کرمنندی) به نظر می‌رسد راویانی از کاشان اقدام به نگارش این نسخه کرده‌اند تا این میراث حدیثی برای آیندگان باقی بماند.

نقش سید ابوالرضا
راوندی در گسترش
میراث حدیثی شیعه

ادعیة السر به‌طور کامل در برخی از منابع شیعه وارد شده که برای نمونه می‌توان به *الجواهر السنّیه* (حر عاملی، ۱۳۸۰: ۳۴۲-۳۸۱)، *البلد الامین* (کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۲۸، ۶۴، ۱۵۶، ۱۶۲، ۱۶۵)،



-
-
-
-
-
-
-

منتخب الاعمال سید محمدباقر داماد^{۱۲} و بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۲، ۳۲۴-۳۲۵) اشاره کرد. همچنین بخش‌هایی از ادعیه این کتاب در برخی منابع شیعه وارد شده که برای نمونه به مصباح المتعجل (طوسی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ۹۵، ۲۳۵ و ۲۴۴)، مکارم الاخلاق (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۲۸۵)، جمال الأسبوع (ابن طاووس، ۱۳۳۰ق: ۴۰۴)، فتح الابواب (همو، ۱۴۰۹ق: ۱۹۳-۱۹۶) و المصباح (کفعمی، ۱۴۰۵ق: ۱۴۹، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۲۸، ۲۲۹، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۹۴ و ۳۹۹) می‌توان اشاره کرد.

۲-۲. ادعیه الوسائل الی المسائل

از ادعیه‌ای که سید ابوالرضا راوندی در انتقال آن نقش منحصره فردی داشته، مجموعه روایاتی مروی از امام رضا(ع) موسوم به ادعیه الوسائل الی المسائل است که شامل ده مناجات استخاره، طلب عفو، سفر، طلب رزق، استعاده، طلب توبه، طلب حج، طلب رفع ظلم ظالم، شکر خداوند و طلب حوائج می‌باشد.

در سند این رساله این‌گونه آمده است: سید ابوالرضا راوندی گفت که خبر داد مرا سید مرتضی بن داعی حسنی در شهر ری از جعفر بن محمد دوریستی از پدرش از شیخ صدوق که گفت: حدیث کرد مرا عبدالله بن رواحه بن مسعود از ابراهیم بن محمد بن حارث نوفلی از پدرش که خادم و ملازم امام رضا(ع) بود، این‌گونه روایت می‌کند: هنگامی که مأمون خلیفه عباسی دختر خود را به عقد امام جواد(ع) درآورد، آن حضرت به مأمون نوشتند: «به‌درستی که برای هر زنی، مهریه‌ای از مال شوهرش است و به تحقیق که خدای تعالی اموال ما را در آخرت برای ما ذخیره گردانیده، همچنان که در دادن اموال شما در دنیا تعجیل نموده و شما را در آن صاحب خزانها گردانیده است. من دعاهای وسایل به سوی مسألتها را مهر دخترت گردانیدم و آن مناجاتی چند است که آن‌ها را پدرم، حضرت امام رضا(ع) به من داده و او نیز از اجداد طاهرینش از رسول خدا(ص) روایت کرده که آن حضرت فرمودند: این دعاها را جبرئیل به من داد و گفت که ربّ العزّه بر تو ای محمد سلام می‌فرستد و می‌گوید: این دعاها، کلید گنج‌های دنیا و آخرت است پس این‌ها را وسیله به سوی درخواست‌های خود بگردان تا آنکه به هدفت برسی و این دعاها را در حاجات دنیوی نخوان تا بهره‌ت تو از آخرت کم نگردد» (طبرسی، ۴۳۹ق: ۴۰-۴۱).

از سوی دیگر علامه مرعشی، عزالدین علی فرزند سید ابوالرضا راوندی را صاحب رساله‌ای با عنوان الرسائل الی المسائل از امام رضا(ع) می‌داند که از مکتوبات قرن ششم در ۲۶ صفحه و

کاشان‌شناسی
شماره ۱۴ (پیاپی ۲۲)
بهار و تابستان ۱۳۹۸



•
•
•
•
•
•
•

نسخه‌ای از آن در کتابخانه نصیری امینی موجود است. بنا بر نقل علامه مرعشی، این رساله مشتمل بر دعاء السر، ظاهراً متفاوت با کتاب سید ابوالرضا در این موضوع است (مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۴۴). شاید تصور شود که این کتاب همان ادعیة الوسائل الی المسائل سید ابوالرضا راوندی است که به نقل از فرزند وی ذکر شده درحالی‌که با بررسی متن ادعیة الوسائل مذکور در کنوز النجاح مشخص می‌شود که این متن با متن ادعیة السر کاملاً متفاوت است و گرچه هر دو دعا از جمله احادیث قدسی هستند و در برخی عناوین مشترک‌اند، محتوای آن‌ها با هم کاملاً متفاوت‌اند.

کتاب ادعیة الوسائل الی المسائل مروی از امام رضا(ع) را علی بن حسن طبرسی در کنوز النجاح (طبرسی، ۱۴۳۹ق: ۴۰-۵۰) و ابن طاووس در مهج الدعوات (۱۴۱۱ق: ۲۶۵-۲۵۸) به‌طور کامل و همچنین برخی از قسمت‌های آن را کفعمی در المصباح (۱۴۰۵ق: ۳۹۳-۳۹۴؛ مناجات استخاره)، ۱۸۹-۱۹۰ (مناجات سفر)، ۱۷۱-۱۷۲ با اندکی تفاوت در آخر آن (مناجات طلب رزق)، ۲۴۵-۲۴۶ (مناجات استعاذه)، ۴۱۵ (مناجات شکر خداوند) و البلد الامین (کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۱۶۱-۱۶۲؛ مناجات استخاره)، شیخ طوسی در امالی (۱۴۱۴ق، ۲۹۳؛ مناجات استخاره) و راوندی در الدعوات (۱۴۰۷ق: ۸۲-۸۳؛ مناجات استعاذه و ۷۱-۷۲؛ مناجات شکر خداوند)، ۵۸-۵۹ (مناجات طلب حاجت) ذکر کرده‌اند.

۳-۲. الاربعین فی الاحادیث

ابن طاووس در کتاب الیقین خود، نام آن را سنة الأربعین فی سنة الاربعین بیان کرده است. او همچنین به این کتاب دسترسی داشته و دو مورد از آن نقل کرده است: مورد اول تسمیة علی(ع) توسط پیامبر(ص) به اوصاف «سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحْجَلِينَ وَ يَعْشُوبُ الدِّينَ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ وَ الْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ وَ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ» است (ابن طاووس، ۱۴۱۳ق: ۴۶۷).

مورد دوم نیز حدیثی منقول از ابوذر صحابی پیامبر است که در آن از قول رسول الله(ص) نقل می‌کند که علی(ع) اولین فردی است که در روز قیامت با پیامبر مصافحه می‌کند و صدیق اکبر و فاروق اعظم است که میان حق و باطل فرق می‌گذارد و پیشوای مؤمنان است درحالی‌که اموال دنیایی، سالار کافران است (همان: ۵۱۱).

نقش سید ابوالرضا
راوندی در گسترش
میراث حدیثی شیعه

این تألیف در اجازه محمد بن الحسن بن محمد بن ابی‌الرضا العلوی که برای برادرزاده خود محمد بن جمال‌الدین احمد بن ابی‌المعالی العلوی (م ۷۶۹) نوشته، یاد شده است



-
-
-
-
-
-
-

(مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰۴، ۱۶۶). علامه مرعشی عنوان کتاب را *سنة الاربعین فی شرح الاربعین* حدیثاً ذکر کرده و آن را در شمول مسائل علمی کم‌نظیر می‌داند (مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۶۶).

۴-۲. دعای جوشن صغیر

این دعا سرّی از اسرار خداوند است که به رسول الله (ص) تعلیم داده شده و مختص دادرسی به مظلومان است که به جوشن معروف شده است. این دعا برای امان از آفات و عقوبات دنیوی و بهره‌وری از نعمت‌های اخروی است که تعلیم آن تنها به اهل آن جایز و بر مشرکان حرام است؛ زیرا کسی با این دعا خدا را نمی‌خواند مگر اینکه حاجت او برآورده خواهد شد. روایات مشهوری در اهمیت این دعا و سرعت اجابت آن ذکر شده است (طبرسی، ۱۴۳۹ق: ۵۱).

موضوع این دعا شکرگزاری است و نوزده بند دارد که در هر بند امام (ع)، نخست نعمتی از نعمت‌های الهی را بر می‌شمرد و در پایان هر بند، دعاکننده از خدا می‌خواهد که بر پیامبر (ص) و اهل بیت او صلوات فرستاده و شخص را از شکرگزاران و یادکنندگان نعمت‌های الهی قرار دهد. هرچند دعای جوشن دارای اسنادی متعدد است لیکن طبرسی در *کنوز النجاح* اولین سند آن را این‌گونه ذکر می‌کند: سید ابوالرضا راوندی می‌گوید: به من خبر داد سید ابوتراب حسنی از ابوعبدالله جعفر بن محمد دوریستی از ابوعبدالله الدؤلّی از هارون بن موسی تلعبکری که گفت: حدیث کرد مرا ابوالعباس بن علی بن ابراهیم از عمارة بن زید عقیلی از عبدالله بن علاء از امام صادق (ع) از اجداد طاهرینش از امام علی (ع) که خطاب به فرزندش امام حسین (ع) به نقل از رسول خدا (ص) فرمودند: ... (همان‌جا).

دعای جوشن صغیر در *مهج الدعوات* (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۲۱۷-۲۲۷) با اسانید متعدد منتهی به شیخ طوسی منقول از امام کاظم (ع) و در *البلد الامین* (کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۳۲۶-۳۳۲) به‌صورت مرسل از امام صادق (ع) ذکر شده است.

۵-۲. خبر مولانا القائم (عج)

از مکتوبات قرن ششم که نسخه‌ای از آن در ده صفحه در کتابخانه میرزا فخرالدین نصیری امینی موجود است (مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۶۶). ابن طاووس حدیثی طولانی درباره تعداد یاران امام زمان (عج) و تعیین جایگاه ایشان، از کتاب یعقوب بن نعیم بن قرقارة^{۱۳}، از نسخه‌ای ارزشمند و قدیمی ذکر می‌کند که روی آن نسخه، خط سید فضل الله راوندی بوده است (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۳۷۵).

کاشان‌شناسی
شماره ۱۴ (پیاپی ۲۲)
بهار و تابستان ۱۳۹۸



۶-۲. الروایة النیروزیة

علامه مجلسی روایتی در باب عید نوروز از برخی کتب معتبر نقل می‌کند که سید ابوالرضا راوندی آن را با سند خود از معلی بن خنیس از امام صادق (ع) روایت می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۶، ۹۱). در این روایت طولانی، مواردی متعدد از ویژگی‌های منحصر به فرد نوروز ذکر شده است.^{۱۴}

۷-۲. قنوت موالینا الائمة المعصومین

از مکتوبات قرن ششم که نسخه‌ای از آن در ۴۰ صفحه در کتابخانه میرزا فخرالدین نصیری امینی موجود است (مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۶۶). به نظر می‌رسد که محتوای این کتاب، همان قنوتاتی باشد که سید بن طاووس در *مهج الدعوات* از اصلی که آن را یافته، نقل می‌کند (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۴۶).

۸-۲. مناجات الهیات

از مناجات‌های زیبا و پرشور امیرالمؤمنین که علاوه بر زیبایی نثر، حاوی مضامین والای عرفانی و اخلاقی است، مناجات الهیات است.^{۱۵} آیت‌الله مرعشی این مناجات را «کبریت أحمر» و «حجر مکرم» توصیف کرده (مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۴۰) و معتقد است که در سند این مناجات افرادی موثق و مورد اطمینان وجود دارند (همان: ج ۱، ۲۷۶).

استاد مشکات درباره این مناجات می‌گویند: «پس از صحیفه سجادیه و معدودی ادعیه که در بسیاری از کتب حدیث به روایات صحیحه نقل شده، این مناجات معتبرتر است و حتی این مناجات از بیشتر دعاهایی که ابن طاووس و علامه مجلسی و شیخ عباس قمی در کتب ادعیه خود ایراد کرده‌اند، معتبرتر است (مرزبانی، ۱۳۷۸: مقدمه، ۴۷).

راوی اصلی این مناجات، سید ابوالرضا راوندی است. این مناجات توسط خواجه عبدالحق سبزواری در قرن دهم به پارسی برگردانده شده است. همو این مناجات را به *الهیات* نامگذاری کرده در حالی که در *بحار الانوار* (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۱، ۹۹) و *المصباح کفعمی*، ۴۰۵ق: ۳۶۸) از آن با عنوان «مناجات امیرالمؤمنین» یاد شده است. گویا مناسبت این نامگذاری، تکرار واژه «الهی» در فرازهای این مناجات است.

این مناجات در متون شیعه دارای دو سند تقریباً مشابه به شرح ذیل است:

۱. سلسله سند به روایت سید ابوالرضا راوندی، بنا بر دست‌نوشته متأخر که در سال ۹۰۸ هجری توسط خواجه عبدالحق سبزواری کتابت شده، بدین شرح است: سید ابوالرضا راوندی از میراث حدیثی شیعه



•
•
•
•
•
•
•

دهخدا علی بن یحیی راوندی از علی بن حسن بن محمد بن احمد بارکرزی- از نسخه‌ای به خط وی نقل می‌کنم- که خبر داد مرا علی بن محمد خلیدی کاشانی روز یکشنبه نهم ماه رمضان سال ۳۸۸ هجری از علی بن نصیر قطامی روز سه شنبه ماه شعبان سال ۳۸۱ هجری از احمد بن حسن وثابی کاشانی در جرجان سال ۳۳۳ هجری از پدرش از علی بن محمد بن شیرة وثابی کاشانی، معروف به أعز، از امام حسن عسکری(ع) از پدرانش در سال ۲۶۰ هجری در سامراء مناجات امیرالمؤمنین(ع) را روایت می‌کند (مرزبانی، ۱۳۷۸: مقدمه، ۱۳-۱۴).

۲. سلسله سند دوم بنا بر نقل فرزند سید ابوالرضا راوندی دست‌نوشته متقدم که در اواخر قرن ششم هجری کتابت شده، بدین شرح است: علی بن فضل الله حسنی (فرزند سید ابوالرضا راوندی) از پدرش از علی بن حسن بن محمد (بارکرزی) از علی بن محمد خلیدی از علی بن نصیر قطامی از احمد بن حسن وثابی کاشانی از پدرش از علی بن محمد بن شیرة کاشانی از امام حسن عسکری(ع) از پدرانش در سال ۲۶۰ هجری در سامراء مناجات امیرالمؤمنین(ع) را روایت می‌کند (همان: ۱۴).

تنها اختلاف موجود در دو سند، این است که در سند منقول از فرزند سید ابوالرضا، نام استاد پدرش یعنی علی بن یحیی از سند حذف شده؛ گویی وی قصد تلخیص و حذف عبارات توضیحی سند را داشته که در این میان اشتبهاً نام علی بن یحیی حذف شده است. البته نسخه متقدم، دارای کاستی‌های دیگری در متن نیز می‌باشد و بخش میانی مناجات در این نسخه بر اثر مرور زمان و حوادث روزگار از بین رفته است. تصحیح و مقابله متن کامل مناجات الهیات یا به تعبیر صحیح‌تر، مناجات امیرالمؤمنین(ع) به روایت سید ابوالرضا راوندی با چندین نسخه و کتاب توسط آقای سعیدرضا علی‌عسکری صورت گرفته و در مجموعه میراث حدیث شیعیه به چاپ رسیده است.^{۱۶}

در منابع روایی شیعیه، قطعه‌هایی از این مناجات آمده است. برای نمونه در صحیفه سجادیه (الامام علی بن الحسین، ۱۳۷۶: دعای ۵۳ و ۲۵۸) و در المزار بخشی از این مناجات به نقل از میثم تمار از امیرالمؤمنین(ع) ذکر شده است. (شهید اول، ۱۴۱۰ق: ۲۷۱) همچنین این مناجات به صورت کامل در البلد الامین (کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۳۱۱) بعد از زیارات، در المصباح (کفعمی، ۱۴۰۵ق: ۳۶۸) و در بحارالانوار به عنوان «مناجاة امیرالمؤمنین مرویة عن العسکری(ع)» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۱، ۹۹) ذکر شده است.

در متون اهل سنت نیز این مناجات با کاستی‌هایی در متن و در تقدم و تأخر برخی فقرات در

کتاب دستور معالم الحکم و مآثور مکارم الشیم با سند بیان شده است (قضاعی، ۱۴۱۸ق: باب هشتم، ۲۶۱ به بعد).

۹-۲. ندبة الامام السجاد(ع)

طبق متون موجود، ندبه‌های مروی از امام سجاد(ع)، سه ندبه است که همه یا بخشی از آن در منابع روایی ذکر شده است.

ندبه اول که از همه معروف‌تر و طولانی‌تر است، ضمن اجازه علامه حلی به بنی‌زهره از آن یاد شده است. «ژهری» راوی اصلی این روایت از امام سجاد(ع) است. در سند این ندبه، سید ابوالرضا راوندی قرار دارد.^{۱۷} این مناجات با عبارت «یا نَفْسُ حَتَّامٍ إِلَى الْحَيَاةِ سُكُونُكَ وَإِلَى الدُّنْيَا وَ عِمَارَتِهَا رُكُونُكَ» آغاز می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰۴، ۱۲۱-۱۲۳) این ندبه در چندین بخش ذکر شده که بعد از هر بخش، ابیات سه‌گانه راثیه بیان شده است. کفعمی این ندبه را در البلد الامین ذکر کرده است (کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۳۲۰). آقابزرگ تهرانی نسخه‌هایی خطی از این ندبه را در کتابخانه فخرالدین نصیری مشاهده کرده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۴، ۱۰۳). حسون کریم آن را به‌عنوان «الندبة الأولى للامام علی بن الحسین السجاد(ع)» ذکر کرده و به تفصیل درباره این مناجات بحث کرده است (حسون کریم، ۱۴۲۰ق، شماره ۵۸، ۲۰۳-۲۳۷). ابن‌عساکر نیز با سند خود از محمد بن عمران از محمد بن عبدالله المقرئ از سفیان بن عیینه از ژهری، این ندبه را روایت کرده است (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۴۱، ۴۰۳).

۱۰-۲. النوادر

نوادر، عنوانی عام از تألیفات محدثان در چهار قرن اول هجری بوده که احادیث غیرمشهور یا احادیث دربردارنده احکام غیرمتداول یا استثنایی یا احادیث مستدرک در آن گرد آمده است. گرچه اکثر کتب نوادر مفقود است ولی محتویات آن در مجموعه‌های حدیثی وارد شده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۴، ۳۱۵-۳۱۶).

در باب اصطلاح نوادر، می‌توان دو دیدگاه کلی را مطرح کرد:

دیدگاه اول: مقصود روایاتی است که نتوان آن‌ها را ذیل یک سرفصل خاص گردآوری کرد. محمدتقی مجلسی (۱۴۰۶ق: ج ۱، ۴۷۶)، فیض کاشانی (۱۴۰۶ق: ج ۱: ۴۲) و وحید بهبهانی (۱۴۰۴ق: ۳۴) بر این دیدگاه قائل‌اند. از معروف‌ترین کتب نوادر، می‌توان به نوادر محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷) و نوادر احمد بن محمد بن عیسی اشعری (م ۲۶۰) اشاره کرد.

نقش سید ابوالرضا
راوندی در گسترش

دیدگاه دوم: روایاتی که به علت قلت، بدانها عمل نمی‌شود. شیخ مفید برای رد احادیثی که میراث حدیثی شیعه



•
•
•
•
•
•
•

ماه رمضان را (بی‌کم و کاست) سی‌روز می‌دانند، آن‌ها را احادیثی شاذ می‌داند که در باب نوادر وارد شده و نوادر روایاتی است که بدان عمل نمی‌شود. (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ۱۹)

مشخص است در کتاب *نوادر راوندی*، دیدگاه اول مدنظر است. این کتاب شامل روایاتی در موضوعات فقهی، اخلاقی، تاریخی، کلامی و غیر آن است. کتاب *نوادر راوندی* را می‌توان دو کتاب مستقل محسوب کرد؛ به عبارت دیگر کتاب از دو بخش کلی تشکیل شده است.

بخش اول: این بخش، حدود یک ششم کتاب را در بر می‌گیرد و شامل روایاتی درباره فضایل ماه‌های رمضان، شعبان و رجب است. در این قسمت سید ابوالرضا راوندی، به اسم مصدر یا مصادر روایاتش اشاره نمی‌کند، همچنان‌که مصدری که مشتمل بر این روایات باشد، از نظر سند و متن، نزد ما موجود نیست (راوندی، در دست انتشار، ۱۳۸). البته با تفحص و بررسی درباره اسناد کتاب، مشخص می‌شود که به احتمال قوی این احادیث از کتاب احمد بن ابراهیم بن هجیر روایت شده است. توضیح آنکه سندی که در ابتدای بخش احادیث فضایل ماه رمضان ذکر شده، بدین شرح است:

سید ابوالرضا راوندی خبر می‌دهد: در پایان ربیع‌الاول سال ۵۱۸ هجری بر رستم بن مسعود در کاشان در مسجد «باب ورده»^{۱۸} این حدیث را عرضه کردم، او این حدیث را از احمد بن ابراهیم بن هجیر در یکی از مساجد آمل روز ۲۵ ماه مبارک رمضان سال ۵۱۳ هجری دریافت کرده که او نیز از ابوالحسن علی بن ابی‌خلف طبری در سال ۴۸۰ هجری از عبدالله بن جعفر...^{۱۹} (راوندی، در دست انتشار، ۲۶۷-۲۶۸).

اساتید روایی احمد بن ابراهیم بن هجیر در اسناد بعدی بدین شرح هستند: ابوالحسن علی بن ابی‌خلف طبری (همان: ۲۶۹ و ۲۷۱)، ابوخلیف عبدالرحیم بن محمد صوفی، ابوالعباس احمد بن محمد حنیفی به صورت اجازه در سال ۴۸۷ هجری (همان: ۲۷۳)، ابوالحسن علی بن زیست المَقَری در مسجدی در آمل در سال ۴۸۲ هجری از طریق املاء (همان: ۲۷۴ و ۲۹۰)، ابوالمحاسن عبدالواحد بن اسماعیل رویانی در مسجد «صفارین» آمل در ماه رمضان سال ۴۸۲ هجری (همان: ۲۷۶)، ابومسعود عبدالواحد بن علی بن حسین قزازی در ذی‌الحجه سال ۴۸۱ هجری (همان: ۲۷۹) و ابوالقاسم علی بن حسین ورق (همان: ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۸ و ۲۸۹). از آنجایی که افراد مذکور همگی اساتید ابن هجیر هستند، رستم بن مسعود از کتاب ابن هجیر این روایات را نقل کرده است.

همچنین سندی که در ابتدای بخش احادیث فضایل ماه رجب و شعبان ذکر شده، به واسطه

ابونصر حسن بن محمد بن ابراهیم از احمد بن ابراهیم بن هجیر در ابتدای شوال سال ۵۱۳ هجری نقل شده است (همان: ۲۹۵). تمامی احادیث این باب با سند احمد بن ابراهیم بن هجیر، از ابوالمحاسن عبدالواحد بن اسماعیل بن احمد رویانی از محمد بن حسن بکری به صورت اجازه نقل شده جز یک مورد که احمد بن ابراهیم بن هجیر از علی بن ابی‌خلف نقل کرده است (همان: ۳۱۰).

اما ابوالعباس احمد بن ابراهیم بن هجیر الاخباری از مشایخ طبرستانی متعجب‌الدین شمرده شده است (رافعی قزوینی، ۱۴۰۸ق: ج ۳، ۳۷۳). البته عنوان «عجیر» صحیح‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا از یک طرف عنوان «هجیر» در منابع یافت نشد و از سوی دیگر نوادگانی از امام حسن (ع) با وصف «عجیر» در طبرستان زندگی می‌کرده‌اند. ابن‌فندق ذیل عنوان «عجیر الداودی حسنی»، قاسم بن ابراهیم بن حسن بن محمد بن سلیمان را دارای فرزندی می‌داند که به ایشان «شجریه» گفته می‌شد و بیشتر فرزندان وی در طبرستان و نواحی آن منطقه سکوت داشتند و از جمله این افراد، فقیه ابوالعباس احمد بن ابراهیم بن حسن بن عجیر است (ابن‌فندق، ۱۴۲۸ق: ج ۱، ۲۸۱). به نظر می‌رسد فقیه ابوالعباس احمد بن ابراهیم بن حسن بن عجیر همان ابن‌هجیر مورد بحث ما باشد که عبارت «بن حسن» از آن حذف شده است.

دقت در سند ابتدای بخش احادیث فضایل ماه رمضان، همچنین این نکته را می‌رساند که کاشان مرکز تجمع علما در قرن ششم بوده و افرادی همچون رستم بن مسعود برای انتشار روایات خود در کاشان نزد سید ابوالرضا راوندی می‌رفتند.

بخش دوم: این بخش که پنج ششم کتاب را در بر می‌گیرد، برگرفته از کتاب *أشعثیات* یا *جعفریات* است. این مطلب با مراجعه به سند ابتدای این بخش، که روایات این بخش نیز با همین سند نقل شده‌اند، مشخص می‌شود. سند مذکور بدین شرح است:

سید ابوالرضا راوندی از عبدالواحد بن اسماعیل بن احمد رویانی به صورت اجازه و سماع نقل می‌کند که خیر داد مرا محمد بن حسن تمیمی بکری به صورت اجازه و سماع، حدیث کرد ما را سهل بن احمد دیباجی از محمد بن محمد بن اشعث کوفی از موسی بن اسماعیل از پدرش اسماعیل بن موسی از امام صادق (ع) از پدرانش نقل می‌کند که رسول خدا (ص) فرمودند: ...^{۲۰}

نقش سید ابوالرضا
راوندی در گسترش
میراث حدیثی شیعه



- .
- .
- .
- .
- .
- .
- .

کتاب نوادر خود ذکر کرده است.

از آنجایی که این بخش به عنوان گلچینی از کتاب *أشعثیات* یا *جعفریات* محسوب می‌شود، اعتبار این بخش، نسبت مستقیم به اعتبار کتاب *أشعثیات* دارد. درباره اعتبار این کتاب میان صاحب نظران اختلاف وجود دارد؛ عده‌ای همچون ابن طاووس (۱۴۰۶ق: ۲۱۴؛ همو، ۱۳۷۶: ج ۱، ۲۸) و محدث نوری (۱۴۰۸ق: خاتمه ج ۱، ۱۵۳۸) معتقدند که این کتاب معتبر و مقبول است؛ لذا از این کتاب نقل روایت کرده‌اند. در مقابل محمدحسن نجفی (۱۴۰۴ق: ج ۲۱: ۳۹۸) این کتاب را معتبر ندانسته و روایات آن را قابل استفاده نمی‌داند. دیدگاه تفصیلی بر این قائل است که اعتماد بر روایات این کتاب، مشروط بر این است که در سایر کتب قدما ذکر شده باشد (داوری، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۲۴).

۳. شرح، تصحیح و اجازه میراث حدیثی

بخش دوم از خدمات سید ابوالرضا راوندی، شرح و تصحیح میراث حدیثی است، تا آنجا که او کاشان را به محل آموشد محدثان سایر حوزه‌های حدیثی، برای تصحیح کتب حدیثی شیعه تبدیل کرده است. محدث نوری، سید ابوالرضا را از مشایخ بزرگی می‌داند که اکثر اسانید اجازات به او منتهی می‌شود (نوری، ۱۴۰۸ق: الخاتمة ج ۱، ۱۷۴).

بر اساس اطلاعات نسخ خطی، نسخه‌هایی از آثار کهن شیعه با اجازه سید ابوالرضا راوندی موجود است که او این آثار را در سفری که در سال ۵۱۱ هجری به بغداد داشته، دریافت کرده است. از جمله این آثار می‌توان به *أمالی* سید مرتضی، شرح *نهج البلاغه*، *خصائص الأئمة* و *تلخیص البیان* سید رضی، *رسالة اهوازیه*، کتاب *من لایحضر الفقیه و أمالی* شیخ صدوق اشاره کرد. در ادامه اطلاعاتی درباره این کتب ارائه می‌شود.

۱-۳. الحاشیه علی أمالی المرتضی

افندی بیان می‌کند که سید ابوالرضا تعلیقات زیادی بر کتاب *غرر و ڈرر* دارد که من آن‌ها را با خط خودش، بر پشت نسخه‌ای که برای شاگردش سید ناصرالدین ابوالمعالی محمد اجازه داده، دیده‌ام (افندی، ۱۴۳۱ق: ج ۴، ۳۷۱).

همچنین حسین بن ابی‌عبدالله بن ابراهیم خومجانی، نسخه‌ای نفیس از *أمالی* سید مرتضی را که در سال ۵۶۷ هجری کتابت شده، در تملک داشته که اکنون به شماره ۱۴۵ در کتابخانه اسکوریال موجود است و اساس تصحیح *أمالی* سید مرتضی توسط محمد ابوالفضل ابراهیم بوده است. خومجانی نسخه را نزد سید ابوالرضا راوندی خوانده و از وی در سال ۵۶۸ هجری اجازه

روایت آن را دریافت کرده است. سید ابوالرضا کتاب *امالی* را به روایت استادش ابن اخوة بغدادی از ابوغانم عصمی از سید مرتضی روایت کرده است. همچنین ابوالرضا کتاب را به روایت ابن اخوة از نقیب حمزة بن ابی اعز حسینی از احمد بن قدامه از سید مرتضی و از سید مرتضی بن داعی حسنی از ابو عبدالله جعفر بن محمد دوریستی در روایت داشته است (رحمتی، ۱۳۹۵ الف: پاورقی ۱۶۰).

۲-۳. شرح نهج البلاغه

یکی از مهم‌ترین آثار سید ابوالرضا راوندی، شرح *نهج البلاغه* امیرالمؤمنین است. این شرح غیر از شرح *نهج البلاغه* قطب‌الدین راوندی است و مجلسی در *بحارالانوار* هر دو راوندی را صاحب شرح *نهج البلاغه* می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱۰۷، ۱۶۸).

سید عبدالعزیز طباطبایی معتقد است که سید ابوالرضا را می‌توان اولین شارح *نهج البلاغه* قلمداد کرد؛ زیرا دیگرانی که در زمره اولین شارحان *نهج البلاغه* معرفی شده‌اند بعدها شرح خود را تکمیل کرده‌اند؛ برای نمونه قطب راوندی شرح خود را در آخر شعبان ۵۵۶ هجری به اتمام رسانده است. علی بن ابوالقاسم زید بیهقی (ابن فندق) از دیگر افرادی که به‌عنوان اولین شارح *نهج البلاغه* معرفی شده، شرح خود را در سال ۵۵۲ هجری به پایان رساند. در این میان، سید ابوالرضا در سفر علمی خود از کاشان به بغداد در نوجوانی و برای طلب علم، به نسخه اصل *نهج البلاغه* به خط سید رضی، دست یافته و در ربیع‌الاول سال ۵۱۱ هجری برای خود استنساخ کرده، تعلیقاتی بر آن نگاشته و کلمات غریب آن را تفسیر و جملات مبهم آن را توضیح داده است.^{۲۱}

برخی از بزرگان به نسخه شرح *نهج البلاغه* راوندی به خط خود مؤلف دسترسی داشته‌اند؛ محمد نازویه قمی از افرادی است که در کاشان حضور یافته و نسخه *نهج البلاغه* سید ابوالرضا را از طریق سماع از او دریافت کرده است. توضیح مطلب آنکه نسخه بسیار قدیمی از *نهج البلاغه* در کتابخانه «المتحف العراقي» به خط محمد بن حسن بن نازویه قمی به تاریخ ۵۵۶ هجری موجود است (موسوی بروجردی، ۱۴۳۳ ق: ۷۹). ناسخ، این نسخه را با نسخه علی بن زید ابوالقاسم بیهقی (ابن فندق) مقابله کرده است. محمد نازویه قمی در نیمه شوال سال ۵۶۸ هجری این نسخه را بر قطب راوندی نیز قرائت کرده است (همان: ۸۱). همو همچنین این نسخه را با نسخه سید ابوالرضا راوندی با درج تمامی حواشی نسخه ابوالرضا در نسخه خود، در ربیع‌الاول سال ۵۷۱ هجری در کاشان مقابله و در مدت ۲۲ روز، از ابتدای ربیع‌الاول ۵۷۱ تا ۲۲ همان ماه، بر سید

نقش سید ابوالرضا
راوندی در گسترش
میراث حدیثی شیعه

ابوالرضا راوندی قرائت کرده است. سید ابوالرضا در ربیع‌الثانی سال ۵۷۱ هجری به وی اجازه روایت این نسخه را داده است (همان: ۸۲).

به‌علاوه نسخه‌ای کهن از *نهج‌البلاغه* در کتابخانه رضا در شهر رامپور به شماره ۱۱۹۰ موجود است که در ۵۵۳ هجری توسط عبدالجبار بن حسین بن ابی‌القاسم حاجی فراهانی، زمانی که سید ابوالرضا راوندی برای استراحت به روستای جوشقان رفته، از روی نسخه وی کتابت شده جز آنکه در این نسخه، کاتب اشاره‌ای به اینکه نسخه اساس کتابت او که نسخه *نهج‌البلاغه* همراه ابوالرضا بوده، در چه سالی یا از روی کدام نسخه کتابت شده، نکرده اما مشخص است که نسخه اساس کتابت، همان نسخه‌ای باید باشد که ابوالرضا در سال ۵۱۱ هجری در بغداد از روی نسخه اصل کتابت کرده است (رحمتی، ۱۳۹۵ الف: ۱۷۳).

همچنین جمال‌الدین علی بن محمد القمی المتطبیب، از شاگردان سید ابوالرضا، شرح *نهج‌البلاغه* راوندی را با اجازه از او روایت می‌کند ولی نسخه خود را پس از وفات سید ابوالرضا در سال ۵۸۹ هجری بر فرزند او، عزالدین مرتضی علی بن فضل الله راوندی، قرائت می‌کند (موسوی بروجردی، ۱۴۳۳ ق: ۱۳۴).

دقت در مطالب فوق می‌رساند که افرادی همچون محمد نازویه قمی به مقابله نسخه *نهج‌البلاغه* خود نزد بزرگانی از حوزه‌های مهم حدیثی آن روزگار، چون نیشابور و ری، بسنده نکرده و به کاشان سفر می‌کنند تا از نسخه این محدث کاشانی نیز بهره‌افزی ببرند. این مطلب بیانگر اهمیت این نسخه *نهج‌البلاغه*، نزد محدثان بزرگ آن دوره است.

اعقاب ابوالرضا راوندی باید نسخه اخیر و کتابخانه او را در اختیار داشته باشند و مشخصاً نوه دختری او، یعنی حسن بن محمد بن عبدالله بن علی جعفری حسینی در ۶۳۱ هجری از کتابت نسخه‌ای از *نهج‌البلاغه* فراغت حاصل کرده که علی‌القاعده و به‌احتمال بسیار باید کتابتی از همان نسخه جدش ابوالرضا راوندی باشد (رحمتی، ۱۳۹۵ الف: ۱۷۴).

شرح *نهج‌البلاغه* سید ابوالرضا تا قرن هشتم نیز موجود بوده و ابن‌عتاقی حلی (متوفای بعد از ۷۸۸ هجری) در شرح خود بر *نهج‌البلاغه* از آن استفاده کرده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱۴، ۱۴۳).

۳-۳. خصائص الائمه

قدیمی‌ترین نسخه خطی موجود از *خصائص‌الائمه*^{۲۲} سید رضی، مربوط به کتابخانه رضا در رامپور هند است که میکروفیلم آن در کتابخانه سید عبدالعزیز طباطبایی در قم موجود است. این

کاشان‌شناسی
شماره ۱۴ (پیاپی ۲۲)
بهار و تابستان ۱۳۹۸



•
•
•
•
•
•
•

نسخه را فردی به نام عبدالجبار بن حسین بن ابی القاسم حاج فراهانی، ساکن در روستای خومجان^{۲۳}، در روز چهارشنبه چهارم شوال ۵۵۳ هجری کتابت کرده است.^{۲۴} فراهانی نسخه را نزد سید ابوالرضا راوندی خوانده و ابوالرضا در صفحه عنوان نسخه، اجازه روایت آن را به او داده است. سید ابوالرضا در این نسخه بیان می‌کند که او این کتاب را از شیخ خود ابوالفتح اسماعیل بن فضل بن احمد بن أخصید سراج از ابومظفر عبدالله بن شیب از ابوالفضل خزاعی از سید رضی روایت کرده است (سید رضی، ۱۴۰۶ق، ۱۵).

۴-۳. تلخیص البیان فی مجاز القرآن

دو نسخه خطی از کتاب *تلخیص البیان فی مجاز القرآن* سید رضی^{۲۵} مربوط به قرن ششم در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است که نسخه اول به شماره ۱۰۳۴ کاستی‌هایی دارد، ولی نسخه دوم به شماره ۵۴۷۰ کامل است. کاتب نسخه دوم، محمد بن حسن بن محمد حافظ رهقی است که آن را در روز جمعه عصر در شهر آبه^{۲۶} در تاریخ ۲۹ رجب سال ۵۴۷ هجری کتابت کرده است. در حاشیه برگه آخر این نسخه آمده است: من این نسخه را با نسخه اصلی که از آن سید ابوالرضا راوندی بوده در شهر (اندوز = کاشان) در آخر جمادی الثانی سال ۵۶۴ هجری مقابله کرده‌ام (طباطبایی، ۱۴۰۶ق: ۴۷).

۵-۳. رساله اهوازیه

از دیگر آثار کتابت‌شده نزد سید ابوالرضا راوندی، *رساله اهوازیه*^{۲۷} است که در روز چهاردهم محرم سال ۵۵۴ هجری در مسجدجامع کاشان توسط همان خومجانی کتابت شده است (رحمتی، ۱۳۹۵ق: ۱۷۵).

۶-۳. کتاب من لایحضره الفقیه و أمالی صدوق

با استفاده از اطلاعات نسخ خطی این‌گونه به دست می‌آید که سید ابوالرضا به‌عنوان پرچمدار انتقال میراث حدیثی شیعه در قرن ششم در کاشان، اجازه نقل برخی آثار شیخ صدوق را نیز به شاگردان خود داده است. برای نمونه سید محمد بن حسن علوی کاشانی از راویان کاشانی است که سید ابوالرضا نسخه‌ای از *من لا یحضره الفقیه* را به او اجازه داده است. آیت‌الله مرعشی این اجازه را بر پشت نسخه خطی این کتاب دیده است (مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۵۷). همچنین با استفاده از اطلاعات نسخه‌ای از *أمالی صدوق*، این نکته به دست می‌آید که سید ابوالرضا راوندی با سه واسطه از شیخ صدوق نیز روایت کرده است. توضیح آنکه بر پشت نسخه‌ای از *أمالی صدوق*، آمده است: ابوالرضا فضل الله بن علی حسنی راوندی می‌گوید خبر داد به من به

نقش سید ابوالرضا
راوندی در گسترش
میراث حدیثی شیعه



این کتاب، شیخ فقیه علی بن عبدالصمد تمیمی به اجازه‌ای که در ربیع‌الثانی سال ۵۲۹ هجری از نیشابور برای من نوشته و همچنین به دو فرزندم احمد و علی اجازه داده است. وی در آن اجازه اظهار داشته است: خبر داد به من پدرم ابوالحسن علی بن عبدالصمد^{۲۸} از ابوالبرکات علی بن حسین خوزی از شیخ صدوق (افندی، ۱۴۳۱ق: ج ۴، ۳۷۱-۳۷۲).

این فرهنگ استنساخ بعد از سید ابوالرضا راوندی نیز همچنان باقی ماند؛ به طوری که علی بن ابراهیم بن حسن بن موسی فراهانی ساکن کاشان نسخه‌ای از *الانتصار* سید مرتضی را کتابت کرده که در کتابخانه آیت‌الله مرعشی به شماره ۳۵۹۸ موجود است. او این نسخه را در روز سه‌شنبه ۲۵ ماه ذی‌القعدة سال ۵۹۱ هجری در منزلش در «باب وگن» استنساخ کرده است. نسخه اخیر بعدها در تملک منصور بن علی بن محمد بن الحسن الطوسی به تاریخ ۷۶۲ هجری بوده است (رحمتی، ۱۳۹۵ب: ۱۸۳، پاورقی).

گرچه این نسخه بعد از وفات سید ابوالرضا در کاشان استنساخ شده، به نظر می‌رسد با توجه به شواهد قبلی، فرزندان سید ابوالرضا این مسئولیت خطیر تصحیح نسخ خطی را بعد از او دنبال کردند و به احتمال قوی، این کتاب نیز از رهگذر سفر سید ابوالرضا به بغداد باشد. در تأیید این مطلب می‌توان گفت بنا بر اطلاعات شجره‌نامه‌های قدیمی، از اقدامات عزالدین علی فرزند سید ابوالرضا، ساخت مدرسه‌ای بزرگ در شهر دارالمؤمنین کاشان کنار آرامگاه پدرش غیر از مدرسه مجدیة ساخته‌شده توسط مجدالدین^{۲۹} است (مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۴۴).

با این توصیفات و شواهد مشخص می‌شود که کاشان در آن سال‌ها محل تجمع عالمان بزرگی بوده و بسیاری از میراث حدیثی شیعه در آن روزگاران در کاشان کتابت شده و سید ابوالرضا راوندی با در اختیار داشتن نسخه‌های اصیل بزرگان شیعه و وسعت اطلاعات حدیثی، یکه‌تاز این میدان بوده است.

۴. نتیجه‌گیری

شخصیت کم‌نظیر سید ابوالرضا راوندی در قرن ششم، گرچه برای محدثان کنونی کمتر شناخته شده، این عالم بزرگ خدمات فراوانی به تشیع و میراث حدیثی شیعه داشته است؛ تلاش و خدماتی که اگر صورت نمی‌گرفت قطعاً برخی از میراث حدیثی شیعه به نسل حاضر منتقل نمی‌شد و در غبار زمان از بین می‌رفت. نقش او در انتقال *ادعیة الوسائل الی المسائل و مناجات الیهیات* منحصر به فرد است. او در نقل تمامی آثار شیخ طوسی نقش مؤثری داشته است. شرح و تصحیح میراث حدیثی شیعه قسمت دوم از خدمات سید ابوالرضا راوندی است تا آنجا که او

کاشان را به محل آمدوشد محدثان سایر حوزه‌های حدیثی، برای تصحیح کتب حدیثی شیعه تبدیل کرده است؛ کتب مهمی همچون *أمالی* سید مرتضی، *شرح نهج البلاغه*، *خصائص الأئمة* و *تلخیص البیان* سید رضی، *رسالة اهوازیه*، کتاب *من لایحضر الفقیه* و *أمالی* شیخ صدوق با اجازه سید ابوالرضا راوندی موجود است که او این آثار را در سفری که در سال ۵۱۱ هجری به بغداد داشته، دریافت کرده و در نتیجه میراث حدیثی بغداد را تا زمانی بسیار اندک به کاشان و ایران انتقال داده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. سید ضیاء‌الدین ابوالرضا فضل‌الله بن علی بن عبیدالله بن محمد بن عبیدالله بن محمد بن ابی‌الفضل عبیدالله بن الحسن السلیق بن علی بن محمد السلیق بن الحسن بن جعفر بن الحسن المثنی بن الامام ابی‌محمد الحسن المجتبی السبط بن علی بن ابی‌طالب. این سلسله نسب را راوندی، خود در ابتدای نسخه خطی *أمالی* سید مرتضی نگاشته و تصویر این نسخه خطی در ابتدای این کتاب به تصحیح ابوالفضل ابراهیم چاپ قاهره موجود است.

۲. از علمای مشهور خاندان غضائری که سید ابوالرضا تعدادی حدیث از او روایت کرده است. این احادیث در نسخه‌ای خطی در کتابخانه نصیری امینی موجود است.

۳. سید ابوالرضا راوندی قسمتی از مناجات مروی از امیرالمؤمنین (ع) را از او نقل کرده که نسخه خطی این رساله در کتابخانه نصیری امینی موجود است. آیت‌الله مرعشی او را علی بن حسین بن محمد رازی معرفی می‌کند در حالی که در سندی دیگر وی، علی بن حسن بن محمد بن احمد بارکزی معرفی شده که صحیح‌تر به نظر می‌رسد (مرزبانی، ۱۳۷۸: مقدمه، ۱۳-۱۴).

۴. سید ابوالرضا، مناجات الهیات را به واسطه وی نقل کرده است.

۵. سید ابوالرضا، اکثر احادیث کتاب *النوادر* خود را با سند او نقل کرده است.

۶. استاد عبدالعزیز طباطبایی معتقد است که عبارت سمعانی در چاپ موجود *الأنساب*، تحریف شده است (برای اطلاعات بیشتر در این زمینه نک: طباطبایی، ۱۴۱۴ق: پاورقی ص ۱۶۲). عبارت تحریف‌نشده سمعانی این‌گونه است: لما وصلت الی کاشان قصدت زیارة السید ابی‌الرضا المذكور فلما أنتهیت الی داره وقفت علی الباب هنیئة أنتظر خروجه فرأیت مکتوبا علی طراز الباب هذه الآية المشعرة بطهارته و تقواه (إنما یرید اللہ لیذهب عنکم الرجس أهل البیت و یطهرکم تطهیراً) فلما اجتمعت به رأیت منه فوق ما کنت أسمع عنه و سمعت منه جملة من الأحادیث و کتبت عنه مقاطع من شعره...

۷. سید ابوالرضا در ربیع‌الثانی ۵۷۱ هجری در کاشان به شاگرد خود محمد نازویه قمی اجازه روایت نسخه شرح *نهج البلاغه* خود را داده است (موسوی بروجردی، ۱۴۳۳ق: ۸۲). همچنین از نسخه خطی دیگری که فرزند سید ابوالرضا به شاگرد خود اجازه روایت *نهج البلاغه* پدرش را داده، عبارت «رضی الله عنه» در وصف

نقش سید ابوالرضا
راوندی در گسترش
میراث حدیثی شیعه



•
•
•
•
•
•
•

پدر بیانگر این است که در سال ۵۷۴ هجری پدرش وفات یافته است (همان: ۱۴۸). به علاوه، بر پایه اطلاعات نسخه خطی دیگر، روز عرفه، روز وفات راوندی است (طباطبایی، ۱۴۱۴ق: ۱۸۶).

۸. امروزه این مقبره در ورودی کتابخانه عمومی سید ابوالرضا راوندی واقع شده است. خود سید ابوالرضا در شعری در دیوان خویش (ص ۶۲)، غربت و گمنامی اش را چنین سروده است:

إنی بقاسان غریب حریب و لیس ذا أن لیس فیها قریب
بل هو من فقدان جنسی بها والفاقد الجنس غریب

۹. نام این شخص در اسناد نسخ خطی موجود از کتاب *ادعیة السربه* چند شکل ضبط شده است؛ گاه ابوالخضیب سلیمان بن عمرو بن نوح و گاهی ابوالخضیب بن سلیمان و گاهی ابوالحصیب سلیمان بن عمرو بن نوح ذکر شده است. برای اطلاعات بیشتر در این موضوع نک: حسنی راوندی، ۱۳۸۰: دفتر چهارم، ۱۹۸.

۱۰. ابن رسته اصفهانی در دو موضع از کتاب خود «کرمند» را از نواحی کاشان می‌داند (ابن رسته، ۱۸۹۲م: ۱۵۶ و ۱۵۹).

۱۱. این سند شباهت زیادی به سند نسخ خطی شماره ۴۹۹ و ۲۶۴۴ کتابخانه آیت‌الله مرعشی قم دارد.

۱۲. این کتاب، بنا بر آنچه در ابتدای نسخه خطی شماره ۱۶۰۲ کتابخانه آیت‌الله مرعشی قم آمده، حاوی تمام *ادعیة السربه* است. برای اطلاع بیشتر نک: حسنی راوندی، ۱۳۸۰: دفتر چهارم، ۲۰۲.

۱۳. یعقوب بن نعیم بن قرقارة الکاتب ابویوسف از اصحاب جلیل القدر شیعه که در حدیث کاملاً مورد اعتماد است. از امام رضا(ع) روایت دارد و کتابی در باب امانت نگاشته است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۴۹).

۱۴. از معلی بن خنیس روایت شده که گفت: به محضر امام صادق(ع) در روز نوروز وارد شدم که فرمود: می‌دانی امروز چه روزی است؟ گفتم: فدایتان شوم، این روز روزی است که عجم آن را بزرگ می‌دارند و در آن هدیه می‌دهند. امام صادق(ع) فرمودند: قسم به بیت عتیقی که در مکه است (کعبه)، این نیست مگر برای امری قدیمی، که آن را برایت می‌گویم تا آن را بفهمی. گفتم: ای سید من! اگر این از جانب شما آموخته شود برای من دوست داشتنی‌تر است از اینکه اموات من زندگی کنند و دشمنان من بمیرند. پس حضرت فرمود: ای معلی! روز نوروز روزی است که خداوند از بندگان پیمان گرفت که او را عبادت کنند و بر او شریکی قرار ندهند، به فرستادگانش ایمان آورند، اولین روزی است که خورشید در آن طلوع کرده و بادهای آن وزیدن گرفته و زینت زمین در این روز آفریده شده است، روزی است که کشتی نوح بر کوه جودی استقرار یافت، روزی است که در آن رسول الله(ص) امیرالمؤمنین را بر شانه‌هایش گذاشت تا بت‌های قریش را از بالای بیت‌الحرام سنگ زند و بشکند و همین‌طور است درباره ابراهیم(ع)، روزی است که رسول الله(ص) به اصحابش امر کرد که با علی(ع) به اسم امیرالمؤمنین بیعت کنند و در آن روز بیعت دوم واقع شد، روزی بود که علی(ع) به اهل نهروان ظفر یافت و روزی است که قائم ما ظهور می‌کند و آن روزی است که قائم ما بر دجال ظفر می‌یابد و او را در زباله‌دانی کوفه به دار می‌کشد و روز نوروزی نیست مگر اینکه ما در آن در پی فرج هستیم...

۱۵. مناجات‌الهیات حضرت امیر(ع) همراه با رساله «ما نزل من القرآن فی علی ع» نگاشته محمد بن عمران

مرزبانی (۲۹۷-۳۸۴) یکی از دست‌نوشته‌های منحصر و ارزشمند کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که توسط خطاط شهیر قرن هفتم هجری، جمال‌الدین یاقوت مستعصمی کتابت شده و به کوشش علی اوجبی تصحیح شده است (مرزبانی، ۱۳۷۸: مقدمه، ۶).

۱۶. المناجاة/الالهيات (حسنی راوندی، ۱۳۷۸)، دفتر دوم، ۸۵۳.

۱۷. سند این ندبه چنین است: «و من ذلك الندبة لمولانا زين العابدين علي بن الحسين رواها الحسن بن الدربي عن نجم الدين عبدالله بن جعفر الدورى عن ضياء الدين أبى الرضا فضل بن علي الحسنى بقاشان عن أبى جعفر محمد بن علي بن الحسن المقرئ النيسابورى عن الحسن بن يعقوب بن احمد النيسابورى عن الحاكم أبى القاسم عبدالله بن عبيدالله الحسكائى عن أبى القاسم علي بن محمد العمري عن أبى جعفر محمد بن بابويه عن أبى محمد بن القاسم بن محمد الأسترابادى عن عبدالملك بن إبراهيم و علي بن محمد بن سيار عن أبى يحيى بن عبدالله بن زيد المعري عن سفيان بن عيينة عن الزهرى قال سمعت مولانا زين العابدين علي بن الحسين يحاسب نفسه و يناجى ربه و هو يقول...».

۱۸. چنین مکانی بدین اسم در کاشان یافت نشد.

۱۹. متن کامل سند بدین شرح است: «أخبرنا السيد امام ضياء الدين ابوالرضا فضل الله بن علي الحسنى الراوندى؛ قال: أخبرنى امام الأجلّ العفيف ابوالفتح رستم بن مسعود بن المعز بقاسان فى مسجد باب ورده قرائةً عليه سلخ ربيع الاول من سنة ثمانى عشرة و خمس مائة؛ قال: أخبرنى الشيخ ابوالعباس احمد بن إبراهيم بن هجير المعروف بالأخبارى بأمل طبرستان فى محلة آتش ذه فى المسجد الذى كان يعظ فيه يوم الخامس و العشرين من شهر الله المبارك رمضان سنة ثلاث عشرة و خمسمائة؛ قال: أخبرنا الشيخ الفقيه ابوالحسن علي بن أبى خلف الطبرى سنة ثمانين و أربعمائة؛ قال: أخبرنا ابو محمد عبدالله بن جعفر الحافظ؛ قال: أخبرنا ابوبكر محمد بن العباس الأخبارى و إبراهيم بن عيسى المقرئ؛ قال: أخبرنا ابوالحسن بن محمد الرويانى؛ أخبرنا ابوالحسن بن البراء البغدادى؛ حدثنا عبدالمنعم بن إدريس؛ قال: حدثنا أبى عن وهب بن منبه، عن عبدالله بن عباس، عن النبى قال. اذا كان اول ليلة من شهر رمضان أمر الله...».

۲۰. متن کامل سند در کتاب نوادر بدین شرح است: «أخبرنا السيد الامام ضياء الدين سيدلائمة شمس الاسلام تاج الطالبية ذوالفخرين، جمال آل رسول الله(ص)، ابوالرضا فضل الله بن علي بن عبدالله الحسنى الراوندى— حرس الله جماله و أدام فضله— قال: أخبرنا امام الشهيد ابوالمحاسن عبدالواحد بن اسماعيل بن احمد الرويانى اجازة و سماعاً، أخبرنا الشيخ ابو عبدالله محمد بن الحسن التميمى البكرى الحاجى اجازة و سماعاً، حدثنا ابو محمد سهل بن احمد الديباجى، حدثنا ابو علي محمد بن محمد بن الأشعث الكوفى، حدثنى موسى بن اسماعيل بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن ابيطالب(ع)، حدثنا ابى اسماعيل بن موسى، عن ابيه موسى، عن جده جعفر بن محمد الصادق(ع) عن ابيه عن جده علي بن الحسين عن ابيه عن علي بن ابيطالب صلوات الله عليهم اجمعين قال رسول الله: صلة الرحم تزيد فى العمر و تنفى الفقر» (راوندی، در دست انتشار، ۳۱۵-۳۱۶).

۲۱. این مطلب در آخر نسخه‌ای از کتاب نهج البلاغه نگاشته محمد رضا تستری در ربیع‌الثانی سال ۱۰۵۹ هجری

نقش سید ابوالرضا
راوندی در گسترش
میراث حدیثی شیعه



•
•
•
•
•
•
•

آمده است. او این مطلب را از نسخه‌ای در قرن ششم به خط علی بن محمد المتطبب قمی، از شاگردان سید ابوالرضا و صاحب اجازه از وی، نقل می‌کند. همین مطلب در نسخه ابوالفتح احمد بن ابوعبدالله بلکو بن ابوطالب الآبی شاگرد علامه حلّی نیز موجود است. او نیز نسخه‌ای از شرح نهج البلاغه ابوالرضا راوندی را استنساخ کرده که در پایان آن به همین مطلب تصریح شده است. از نسخه او نیز، محمدصادق بن محمد شفیع یزدی در سال ۱۱۳۲ هجری استنساخ کرده که اکنون در کتابخانه آیت‌الله مرعشی به شماره ۲۷۳ موجود است (طباطبایی، ۱۴۱۴ق: ۱۶۰؛ موسوی بروجردی، ۱۴۳۳ق: پاورقی ۱۳۱-۱۳۲).

۲۲. این کتاب که تنها شامل خصائص امیرالمؤمنین است، از نخستین تألیفات سید رضی است که آن را در ۲۴ سالگی (اواخر ۳۸۳ و اوایل ۳۸۴ هجری) نگاشته است (طباطبایی، ۱۴۰۶ق: ۴۳). هدف او از تألیف این کتاب بیان سال تولد، مدت زندگانی، تاریخ وفات، مقابر ائمه معصومین، اسامی مادران و اندکی درباره فضل زیارت ایشان است. سید رضی کتاب مذکور را به تقاضای یکی از شاگردانش برای اظهار هویت شیعی و پاسخ به خرده‌گیری برخی مبنی بر اینکه تألیفی در این موضوع، میان شیعیان وجود ندارد، نگاشت. او بعد از ذکر کلمات و سخنان کوتاه امام علی(ع) - قسمت پایانی کتاب موجود - به تقاضای عده‌ای از دوستان خود به گردآوری دیگر سخنان و خطبه‌های امیرالمؤمنین پرداخت و لذا این تألیف ناتمام ماند (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۷، ۱۶۴).

۲۳. خومجان، دهی است جزء دهستان فراهان بخش فرمهین شهرستان اراک.

۲۴. در بخش زیادات نسخه، کاتب اشاره کرده که همراه با سید ابوالرضا راوندی و به قصد تفرّج به روستای جوشقان راوند رفته است (إنتهت الزیادة... بحمدالله و منّه، و صلواته علی نبیه محمد و آله أجمعین و فرغ من کتبه العبد المذنب عبدالجبار بن الحسین بن أبی القاسم الحاجی الفراهانی یوم الأربعاء التاسع عشر من جمادی الأولى من سنة ثلاث و خمسين و خمس مائة فی خدمة مولانا الامیر الأجل السید ضیاء الدین تاج الاسلام أبی الرضا فضل الله بن علی بن عبیدالله الحسنی أدام الله ظلّه و قد آوی إلى قرية جوشقان راوند متفرجاً حامداً لله و مصلياً علی النبی و آله أجمعین و السلام). (رحمتی، ۱۳۹۵الف: ۱۶۰).

۲۵. اثر دیگر سید رضی کتاب *تلخیص البیان فی مجازات القرآن* نخستین اثر مستقل درباره مجازها و استعاره‌های قرآن است (سید رضی، ۱۳۸۰: ۹) که نجاشی آن را مجازالقرآن معرفی می‌کند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۸). این کتاب مجازها، استعاره‌ها و کنایه‌های قرآن را به ترتیب سور همراه با شواهدی از اشعار عربی با عنوان کلی مجاز ذکر کرده است. شروع تألیف کتاب، بیستم شعبان ۴۰۱ هجری و پایان آن سیزدهم شوال همان سال است، بنابراین تألیف این کتاب، تنها ۵۳ روز طول کشیده است (طباطبایی، ۴۰۶ق: ۴۶).

۲۶. طبق گزارش حموی، شهری کوچک نزدیک ساوه بوده که بین عامه به «آوه» معروف بوده و اهل آن شیعه بوده‌اند در مقابل ساوه که سنی‌مذهب بوده و پیوسته بین این دو شهر نزاع مذهبی وجود داشته است (حموی، ۱۹۹۵م: ج ۱، ۵۰).

۲۷. عبدالله بن نجاشی بن عثیم بن سمعان ابوبجیر، جدّ رجالی بزرگ شیعه از طرف منصور والی اهواز می‌گردد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۱۳) و از امام صادق(ع) درخواست می‌کند که آنچه او را به رضای خدا و رسول نزدیک‌تر

می‌گرداند، بیان فرمایند که امام در پاسخ مطالبی مهم در آداب حکومت‌داری و شیوه برخورد با مردم و رعایت احکام و حدود الهی بیان می‌کند که به رساله/هوازیه مشهور شد. این رساله در کتاب‌های حدیثی شیعه ذکر شده برای نمونه سید محیی‌الدین در *اربعین خود* و شهید ثانی در *کشف‌الراییه* این رساله را ذکر کرده‌اند (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۴۸۵؛ شهید ثانی، ۱۳۹۰ق: ۸۶).

۲۸. الشیخ ابوالحسن علی بن عبد الصمد بن محمد النیسابوری التمیمی پدر علی بن عبد الصمد است که نام پدر و پسر هر دو علی است (افندی، ۱۴۳۱ق: ج ۴، ۱۱۱).

۲۹. مجدالدین ابوالقاسم عبیدالله بن الفضل بن محمود القاسانی یکی از ثروتمندان متدین، بلندهمت، دانش‌دوست و هنرپرور کاشان در سده ششم هجری در عصر سلجوقی بوده است که مدرسه‌ها، مسجدها، پل‌ها، آرامگاه‌ها، رباط‌ها و سراهای چندی برای کاشان ساخته است. او همچنین با کندن قنات‌ها و چاه‌ها در برآوردن نیاز آب کاشان بسیار مؤثر بوده است. او مدرسه‌ای باشکوه بنا کرد که در زمان خود بی‌نظیر بود و هزینه زندگی طلبه‌های این مدرسه را تأمین می‌کرد و مسئولیت تدریس را فضل‌الله راوندی بر عهده داشت (حسنی راوندی، ۱۳۳۴: ۲۳۰-۲۳۱) گرچه به گفته قزوینی رازی در این زمان حداقل سه مدرسه بزرگ دیگر (مدرسه صفویه، مدرسه شرفیه و مدرسه عزیزیه) در کاشان وجود داشت (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۱۹۸)، هیچ کدام به رونق و شهرت مدرسه مجدیه نمی‌رسیدند. سید علیخان مدنی مدرسه مجدیه را مدرسه‌ای بزرگ می‌داند که نظیر آن روی زمین وجود ندارد؛ ساکنان این مدرسه بسیاری از علما، دانشمندان، ژنرال‌ها و حاجیان هستند (مدنی، ۱۹۸۳م: ۵۰۶).

منابع

۱. آقابزرگ تهرانی، محسن، ۱۴۰۳ق، *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*، ج ۳، بیروت: دارالأضواء.
۲. ابن رسته، احمد بن عمر، ۱۸۹۲م، *الأعلاق النفیسة*، بیروت: دار صادر.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹ق، *مناقب آل‌ابی طالب*، قم: انتشارات علامه.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۳۳۰ق، *جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع*، قم: دار الرضی.
۵. _____، ۱۳۷۶، *الاقبال بالأعمال الحسنة*، تحقیق جواد قیومی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. _____، ۱۴۰۶ق، *فلاح السائل و نجاح المسائل*، قم: بوستان کتاب.
۷. _____، ۱۴۰۹ق، *فتح الأبواب بین ذوی الألباب و بین رب الأرباب*، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۸. _____، ۱۴۱۱ق، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، قم: دارالذخائر.
۹. _____، ۱۴۱۳ق، *الیقین باختصاص مولانا علی (ع) بایمة المؤمنین*، تحقیق اسماعیل انصاری زنجانی، قم: دارالکتاب.

۱۰. _____، ۱۴۱۶ق، *التشریف بالمنن فی التعریف بالفنن*، قم: مؤسسه صاحب‌الأمر.

۱۱. ابن‌عساکر، علی بن حسن، ۱۴۱۵ق، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر.

۱۲. ابن‌عنبه، احمد بن علی، ۱۴۱۷ق، *عمدة الطالب فی أنساب آل‌ابی طالب*، قم: مؤسسه أنصاریان.

نقش سید ابوالرضا
راوندی در گسترش
میراث حدیثی شیعه



۱۳. ابن فُندق، علی بن زید بیهقی، ۱۴۲۸ق، *لباب الأنساب و الألقاب و الأعقاب*، تحقیق سید مهدی رجایی، ج ۲، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۱۴. افندی، عبدالله بن عیسی بیگ، ۱۴۳۱ق، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، تحقیق احمد حسینی اشکوری، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۱۵. الامام علی بن الحسین، ۱۳۷۶، *الصحیفة السجادية*، قم: دفتر نشر الهادی.
۱۶. بهبهانی، وحید، ۱۴۰۴ق، *فوائد الوحید البهبهانی*، تحقیق حسن خاقانی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۸۰، *الجواهر السنیة فی الأحادیث القدسیة (کلیات حدیث قدسی)*، ترجمه زین العابدین کاظمی، ج ۳، تهران: انتشارات دهقان.
۱۸. حسنی راوندی، ضیاءالدین ابوالرضا، در دست انتشار، *النوادر*، تحقیق مهدی دلیری، قم: مکتبه علامه مجلسی.
۱۹. _____، ۱۳۳۴، *دیوان*، تحقیق سید جلال الدین محلات ارموی، تهران: مطبعة مجلس.
۲۰. _____، ۱۳۷۸، *المناجاة الالهیة*، تحقیق سعیدرضا علی عسکری، چاپ در مجموعه میراث حدیث شیعه به کوشش مهدی مهریزی، قم: دارالحدیث، دفتر دوم، ۵۳-۸۸.
۲۱. حسنی راوندی، ضیاءالدین ابوالرضا، ۱۳۸۰، *ادعیة السر*، تحقیق سعیدرضا علی عسکری، چاپ در مجموعه میراث حدیث شیعه به کوشش مهدی مهریزی، قم: دارالحدیث، دفتر چهارم، ۱۸۹-۲۴۹.
۲۲. حسون کریم، فارس، ۱۴۲۰ق، «النَّدبة الأولى للإمام السجاد علی بن الحسین (ع)»، *تراثنا* ۱۵ (۵۸)، ۲۰۳-۲۳۷.
۲۳. حموی، یاقوت، ۱۹۹۵م، *معجم البلدان*، ج ۲، بیروت: دار صادر.
۲۴. داوری، مسلم، ۱۴۲۹ق، *اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق*، تصحیح حسن عبودی، قم: انتشارات کوثر.
۲۵. رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد، ۱۴۰۸ق، *التدوین فی أخبار قزوین*، تحقیق عزیزالله عطاردی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۶. رحمتی، محمدکاظم، ۱۳۹۵، «اهمیت نسخه‌های خطی برای مطالعه تاریخ تشیع»، *مجله میراث شهاب* (۸۴) و (۸۵): ۱۵۹-۲۵۰.
۲۷. رحمتی، محمدکاظم، ۱۳۹۵، *تشیع: تاریخ و فرهنگ*، قم: انتشارات مورخ.
۲۸. سمعانی، عبدالکریم بن محمد، ۱۹۶۲م، *الأنساب*، تحقیق عبدالرحمن بن یحیی معلمی، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانیه.
۲۹. سید رضی، محمد بن حسین، ۱۴۰۶ق، *خصائص الأئمة*، تصحیح محمدهادی امینی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۳۰. _____، ۱۳۸۰، *المجازات النبویة*، تحقیق مهدی هوشمند، قم: دارالحدیث.
۳۱. سید مرتضی، علی بن حسین علم الهدی، ۱۹۹۸م، *الأمالی*، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالفکر العربی.

٣٢. شهيد اول، محمد بن مكي، ١٤١٠ق، المزار، تحقيق محمدباقر موحد ابطحي، قم: مدرسة امام مهدي.
٣٣. شهيد ثاني، زين الدين بن علي، ١٣٩٠ق، كشف الريبية، ج ٣، بي جا: دار المرتضوى للنشر.
٣٤. شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، ١٤١٣ق، جوابات أهل الموصل في العدد والرؤية، قم: كنز جبهاني هزارة شيخ مفيد.
٣٥. طباطبائي، سيد عبدالعزيز، ١٤٠٦ق، «المتبقي من مخطوطات نهج البلاغة حتى نهاية القرن الثامن»، تراثنا، ویژه نامه شريف رضى، ١ (٥): ١٠٢-٢٥.
٣٦. طباطبائي، سيد عبدالعزيز، ١٤١٤ق، «في رحاب نهج البلاغة (٥): نهج البلاغة عبر القرون»، مجلة تراثنا ٩ (٣٥) و (٣٦): ١٨٨-١٥٤.
٣٧. طبرسي، علي بن حسن، ١٤٣٩ق، كنوز النجاح، تحقيق غانم منسى طعمة، كربلا: العتبة الحسينية المقدسة.
٣٨. طبرسي، حسن بن فضل، ١٤١٢ق، مكارم الأخلاق، ج ٤، قم: الشريف الرضى.
٣٩. طوسي، محمد بن حسن، ١٤١٤ق، الأمالي، قم: دار الثقافة.
٤٠. _____، ١٤١١ق، مصباح المتعبد، و سلاح المتعبد، بيروت: مؤسسة فقه الشيعه.
٤١. عمادالدين كاتب، محمد بن محمد، ١٣٧٥ق، خريفة القصر و جريفة العصر، بغداد: المجمع العلمي العراقي.
٤٢. فيض كاشاني، محمد محسن، ١٤٠٦ق، الوافي، اصفهان: كتابخانه امام علي (ع).
٤٣. قزويني رازي، عبدالجليل، ١٣٥٨، نقض، تحقيق سيد جلال الدين محدث أرموي، تهران: انجمن آثار ملي.
٤٤. قضاي، محمد بن سلامة، ١٤١٨ق، دستور معالم الحكيم و مآثور مكارم الشيم من كلام اميرالمؤمنين، بيروت: دار الأرقم بن أبي الأرقم.
٤٥. قطب الدين راوندي، ١٤٠٧ق، الدعوات؛ سلوة الحزين، قم: انتشارات مدرسة امام مهدي.
٤٦. كفعمي، ابراهيم بن علي، ١٤٠٥ق، المصباح، ج ٢، قم: دارالرضي.
٤٧. _____، ١٤١٨ق، البلد الأمين و السدر الحصين، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
٤٨. مجلسي، محمد باقر، ١٤٠٣ق، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم.
٤٩. _____، ١٤٠٤ق، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، تصحيح سيدهاشم رسولي محلاتي، ج ٢، تهران: دارالكتب الاسلامية.
٥٠. مجلسي، محمدتقي، ١٤٠٦ق، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، تحقيق حسين موسوي كرماني، ج ٢، قم: مؤسسه كوشانبور.
٥١. مدني، عليخان بن احمد، ١٩٨٣م، الدرجات الرفيعة في طبقات الشيعة، ج ٢، بيروت: مؤسسة الوفاء.
٥٢. مرزباني، محمد بن عمران، ١٣٧٨، مناجات الهيئات حضرت امير(ع) و ما نزل من القرآن في علي(ع)، ترجمه علي اوجبي، تهران: وزارت ارشاد.
٥٣. مرعشي نجفي، شهاب الدين، ١٣٨٩، موسوعة العلامة المرعشي، به اهتمام محمد اسفندياري و حسين

نقش سيد ابوالرضا
راوندي در گسترش
ميراث حديثي شيعه



- تقى زاده، قم: مكتبة آيت الله المرعشى النجفى.
۵۴. منتجب الدين، على بن عبيدالله، ۱۳۶۶، النهرست، تحقيق جلال الدين محدث، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
۵۵. موسى بروجردى، سيد حسن، ۱۴۳۳ق، «صفحة مشرقية عن تاريخ السماع و القرائة و الاجازة عند الامامية (نسخة نهج البلاغة برواية السيد الرواندى أنموذجا)»، تراثنا (۱۰۹ و ۱۱۰): ۱۷۹-۲۵۴.
۵۶. نجاشى، احمد بن على، ۱۳۶۵، رجال، ج ۶، قم: مؤسسة النشر الاسلامى.
۵۷. نجفى، محمدحسن، ۱۴۰۴ق، جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام، تصحيح عباس فوجانى و على آخوندى، ج ۷، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
۵۸. نوري، حسين بن محمدتقى، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت.